

یک دولت و سه سیستم:

دموکراسی، جنگ سالاری و ملاکراسی؟؟؟

(پژوهشی از صباح)

محترم کرزی شما در مراسم تحلیف خود به عنوان رئیس جمهوری قول داده بودید، تا از تمام تلاش خود برای مبدل کردن اشک مردم کشور به لبخند استفاده کنید. کدام لبخند؟ چه وقت و چه زمانی این رویا تحقق پیدا خواهد کرد؟ آیا با این همه بنیادگرایان، تفنگداران و جنگ سالاران امکان دارد که فرموده شما جامه عمل بپوشد؟



دشمنان بدانند که درین قوم غیور

گر پدر مرد، تفنگ پدري هست هنوز

مردان همه اگر کشته شوند چه باک

در گهواره چوبی پسری هست هنوز.

بنیادگرایان سالهاست که بالای خون ملت به تجارت مشغول اند؟ مگر داد و معامله های پیدای و پنهان این تشنگان قدرت، مردم رنج کشیده مارا به خاک و خون نکشاند؟ مگر همین ها نبودند که در بدل و پیرانه ساختن کشور، قصر های مجلل در داخل و خارج برای خود و اقارب خود اعمار نمودند و خریداری کردند؟ مگر همین ها نبودند که راکتباران را بر فرق مردم مظلوم کابل اسلامی و قانونی می خوا نندند؟ مگر همین بنیاد گرایان نبودند که میلیون ها دالر کمک سعودی، آمریکا، فرانسه، جرمنی، پاکستان، کشورهای شیخ نشین . . . را به حساب های شخصی خویش چه در زمان به اصطلاح جهاد و چه در

زمان قدرت خویش در خارج واریز نمودند؟ مگر اینها نبودند که چوکی ریاست جمهوری را چهار دست

و پا محکم چسبیده بودند، به هر کنج و کناری که فرار کردند چوکی را با خود بردند؟

دموکراسی

در فرهنگ دموکراسی تعریف شده است- دموکراسی برگرفته از واژه یونانی دِموس به معنای مردم است. در حکومت‌های دموکراتیک، این مردم اند که بر قانون گزار ی و دولت حکومت می‌کنند. اگر چه تفاوت‌های جزئی میان حکومت‌های دموکراتیک مختلف جهان به چشم می‌خورد، برخی اصول و شیوه‌های خاص دولت‌های دموکراتیک را از سایر اشکال دولت‌ها متمایز می‌سازند. دموکراسی مجموعه‌ای از اصول و روش‌ها است که از آزادی سیاسی در جوامع دفاع می‌کند و در حقیقت نهادینه شدن آزادی در حوزه سیاسی است. در حکومت دموکراتیک کلیه مردم، چه مستقیم و چه غیر مستقیم و از طریق نمایندگان منتخب خود، از قدرت استفاده و وظایف مدنی خود را انجام می‌دهند. بنابراین در یک حکومت دموکراتیک، مردم نه تنها حق و حقوق دارند، بلکه موظف به مشارکت در سیستم سیاسی ای هستند که از حقوق و آزادی‌هایشان دفاع می‌کند. این نوع حکومت بر دو پایه استوار است: اول حکومت اکثریت و دوم حفظ حقوق فردی و اقلیت‌ها. تمام دموکراسی‌ها، ضمن احترام به خواست اکثریت، مدافع سرسخت حقوق اولیه افراد و همچنین حقوق گروه‌های اقلیت هستند. دموکراسی دولت‌ها را قانون مند می‌سازد و متضمن این است که تمامی مردم از حمایت برابر قانون برخوردار باشند و دستگاه حقوقی از حقوقشان دفاع کند. جوامع دموکراتیک به ارزش‌هایی همچون تحمل مخالف، همکاری و مدارا پایبند هستند. دموکراسی‌ها دریافته‌اند که برای دستیابی به وفاق، مدارا لازم است و همچنین اینکه شاید وفاق همیشه قابل حصول نباشد. به قول گاندی، عدم تحمل خود یک نوع خشونت است و یک مانع برای به وجود آمدن یک روحیه دموکراتیک راستین“ همه حکومت‌های دموکراتیک یک شکل نیستند. آنها متفاوت از یکدیگراند و هر یک از آنها حیات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی خاص ملت خود را منعکس می‌کند. در حقیقت دموکراسی‌ها همگی بر پایه یک تعداد اصول های اساسی استواراند، نه بر پایه شیوه‌های یکسان.

سیزده اصل برای بودن و نبودن یک حکومت از دید ارد:

شواهدی که نمایشگر ماندگاری و جوانی نظام سیاسی هستند

همبستگی و از خود گذشتگی ملی بین توده ها

همراهی اهل فرهنگ و اندیشه با دستگاه اداره کشور

بالندگی و پیدایش اهل خرد
گردش نخبگان در اداره کشور بدون چالش گسترده داخلی
مهم بودن رخدادهای درونی کشور برای مردم
رشد سرودهای حماسی و ملی
امید به آینده نزد مردم
مردم اداره کنندگان کشور را پیشرو و پاک ببینند
بها دادن به هم دیگر برای اداره کشور بر اساس تواناییها
دلگرمی همگانی نسبت به گذشتن از چالش های پیش روی کشور
پرهیز جوانان از گوشه نشینی و انزوا
همراهی مردم با نخبگان دستگاه فرمانروایی
شواهدی که نمایشگر فروپاشی و پیری نظام سیاسی هستند:
رشد هزل و جک بین مردم
رشد بی تفاوتی بین هنرمندان و اهل فرهنگ نسبت به دستگاه اداره کشور
منزوی شدن خود خواسته اهل خرد
سردی همگانی نسبت به رخدادهای سیاسی کشور
مهم شدن تحولات برون مرزی برای مردم
پناه بردن به غزلیات و شعر های بی بنیاد و سکر آور
عدم امید به آینده نزد مردم
لکه دار شدن بزرگان و اندیشمندان (آنهايي که زمانی توانایی بسیج همگانی را داشته اند)
رشد طایفه گری در درون سیستمهای اداری و خصوصی کشور. . .
نگاه شک آلود و تیره مردم به رخدادهای کشور
سیر قهقرایی و دشمنی بین نخبگان مورد تایید ساختار سیاسی و مردم.

جنگ سالاری و ملا کراسی



نزدیک به یک دهه است که ناتو و متحدین در افغانستان حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط "طالبان"، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول بازگذاشته شد.

جنگ سالاری و ملا کراسی یعنی، خونین نمودن تضاد های ملیتی، مذهبی، سمتی، لسانی و تخم نفاق کاشتن بین ملیت های باهم برادرکشور؛ مهاجرت بیش از یک میلیون نفر دیگر و بیجا کردن ده ها هزار فامیل در داخل کشور؛ غصب زمین، املاک و دارایی های اقلیت هایی که در ساحه نفوذ قومندانان حاکم قرار داشتند؛ وچپاول تمام دارایی های مردم و دستبردبه ناموس مردم، پاتک اندازی راه های عمومی واخذ جرمه، زور پولی، عشر و غیره؛ از بین بردن هشتاد در صد مراکز صحتی و تعلیماتی و کتاب سوزی های بی نظیر تاریخ؛ پیدایش صد ها هزار بیوه، یتیم و گدا؛ زرع و قاچاق بیش از نیمی از مواد مخدر جهان؛ مساعد نمودن زمینه به قدرت رسیدن سیاه ترین نیروی تاریخ یعنی "طالبان" و . . . تبدیل جنگ سالاران به کارمندان دولت. پنج سال پیش حامد کرزی گفته بود: دوران جنگ سالاری به پایان رسیده است.

پس از جنگ دولت با کمک های آمریکا جنگ سالاران را به چشم پوشی از ارتش و قلمرو متقاعد و به آنها پست وزارت یا ولایت را پیشنهاد کردند تا به دولت خدمت کنند.

همچنان ملاهان، بنیادگرایان و جنگ سالاران طی سالهای زمامداری خویش جنگ را ناسطح کوچه های کابل، درجمال مینه و چنداول و منطقه افشارو دیگر نقاط شهر گسترش دادند، و در این فاجعه بیش از چهار هزار انسان بی گناه (از ملیت مصیبت دیده هزاره) را در کابل بوسیله توپ و تانک و بمبارد مان

بی امان قتل عام کردند که این شهکاری آنان به (فاجعه افشار) مسما گردید. این جنایت جنگی یکی از شواهد انکار ناپذیری است که مردم کابل آنرا فراموش نخواهند کرد. کشتار مردم هزاره و شیعه‌ی منطقه افشار در بیست و دو دلو سیزده هفتادویک خورشیدی لکه ننگی است که تا همیشه بر دامن تفنگداران به اصطلاح فاتحه کابل باقی می ماند. در نیمه شب این روز که با سالروز انقلاب در ایران هم زمان بود، نیروهای دولت که عبارت بودند از قوت‌های: شورای نظار، جمعیت، اتحاد سیاف، حرکت اسلامی و حزب وحدت شاخه اکبری به افشاریورس برده و در این حمله، منطقه به تصرف نیروهای یادشده درآمد. نیروهای متعرض به مدت بیست و چهار ساعت، افزون بر کشتار مردم، دست به ویرانی، غارت، آتش زدن خانه ها و تجاوز به زنان و ربودن کودکان و جوانان سرگرم بودند. همین رویداد بارها در هجوم های نیروهای فاتحه درچندا ول، دهمزنگ، کوته سنگی و غرب کابل تکرار شد.



در جایی که تفنگ و زور و دالر مسلط است و مافیای هیروئین و بنیادگرایی دست باز دارد، صحبت از وجود آزادی و دموکراسی و قانون مگر فریب بزرگ، دروغ شاخدار، خاک به چشم ملت زدن، رسوایی بی پایان و مسخره گی بیش نیست؟؟؟

ملا عبد رب رسول سیاف، ملا برهان الدین ربانی، ملا بصیرمعنوی، ملا وکیل احمد متوکل، حضرت صبغت الله مجددی، پیرسیداحمد گیلانی، شیخ آصف محسنی، ملا مارشال فهیم، ملا بسم الله محمدی، ملا عبدالسلام ضعیف، مولوی وکیل احمد متوکل، خلیفه عطا محمد نور، مولوی دین محمد، مولوی شینواری، مولوی تره خیل، حاجی سلیمان یاری، امیرمحمد اسماعیل، ارسلا رحمانی، مولوی پیرمحمد روحانی، حاجی محمد نعیم کوچی، ملا تاج محمد مجاهد، ملا قانونی، مولوی محمدشاه عادل، مولوی قیام الدین کشاف، مولوی شفیع الله، خانونال محمود دقیق، مولوی عبدالحکیم مجاهد، قاضی محمد امین وقاد، حجت السلام والمسلمین محمد اکبری، پیرسید منصورنادری، مولوی قلم الدین، مولوی سالک زاده. . اینان درنظام مردم سالاری و مردمگرایی شما چه نقش دارند؟ ایا امکان دارد که باتعداد این چهره ها بتوانید افغانستان رایسوی دموکراسی سوق بدهید؟؟؟

آیا دولت وریس جمهوری که خود در قدرت نمایی و چپاولگری اینان نقش دارد، می‌تواند به طور موثری باین همه قدرتهای مرکزی و محلی مقابله کند؟، چون پولیس وارد ملی قدرت اندکی دارند. شوهی اوگواو جاپانی در برنامه خلع سلاح سازمان ملل در افغانستان می‌گفت: اردو هنوز ضعیف است و اوضاع پولیس از آن بد تر. تا موقعی که دولت امنیت را بازنگرداند، مردم احساس راحتی نمی‌کنند تا سلاح را بر زمین بگذارند. این وضع ناامیدکننده است. سازمان ملل از سال دوهزار و سه میلادی تا اکنون حدوداً شصت هزار هزار قبضه سلاح سبک و نیمه سنگین و حدودی پانزده هزار قبضه سلاح سنگین را جمع آوری کرده است. احمد جان نوزادی می‌گوید: شبه نظامیان که ظاهراً خلع سلاح شده بخش اعظم تسلیحات خود را مخفیانه نگهداری می‌کنند. و میلیونها قبضه سلاح ثقیل و خفیف هنوز مخفیانه در نزدانان وجود دارد. آیا این سلحه به حاکمیت ملی مشکل افزین نیست؟؟؟

طبق برآوردهای سازمان ملل هنوز بین پنج تا ده میلیون قبضه اسلحه در کشور وجود دارد. نیروهای آمریکایی و ناتو هرروز انبارهای بزرگ مهماتی را پیدا می‌کنند. تلاش‌های اخیر سازمان ملل برای خلع سلاح جنگ سالاران در پنج ولایت - از جمله هرات- به طرزی غم انگیز شکست خورده است. تنها تعداد اندکی سلاح قدیمی جمع آوری شده و مقامات محلی و پولیس همکاری نمی‌کنند. وقتی یکی از مقامات سازمان ملل از دولت کمک خواست، از دفتر کرزی این پاسخ را دریافت کرد: ما نمی‌توانیم کمک کنیم؛ خودتان انجام دهید. خلیلی مانند اسماعیل خان می‌گوید که به دولت متعهد است، اما میراث دو دهه جنگ داخلی و حضور "طالبان" در جنوب و شرق کشور او و دیگران را فلج کرده است. خلیلی بر خلاف اسماعیل خان وجود فساد و رشوه گیری در دولت تحت تسلط جنگ سالاران را انکار نمی‌کند.

بلی با وجود اعلام شما، جنگ سالاران هنوز جزو قدرتمندترین نیروهای کشور به شمار می‌روند. شماری از آنها در شهر و شهرک‌های کشور سنگر گرفته اند، مهمات جمع آوری می‌کنند، به قاچاق تریاک می‌پردازند و به نیروهای پولیس ضربه می‌زنند. آنهایی هم که حالا در کابل حضور دارند می‌توانند به راحتی افراد نظامی خود را از نو به خدمت فراخوانند.

چندی پیش برنامه توسعه سازمان ملل متحد که پروژه‌ای را با هدف خلاصی کشور از شر جنگ سالاران غیرقانونی پیش می‌برد، اعلام کرد که دست کم پنج صد عضو دولت کرزی مستقیماً با گروه‌های نظامی غیرقانونی ارتباط دارند. البته اعضای کابینه، والیان و نمایندگان مجلس در این آمار به حساب نیامده اند. برنامه سازمان ملل نمی‌تواند این اعضای پرنفوذ دولت را هدف انتقاد خود قرار دهد. آریان کوننتیر مشاور استراتژیک برنامه توسعه سازمان ملل معتقد است: ما اصلاً کله گنده‌ها را متهم نمی‌کنیم. چنین کاری در حال حاضر خودکشی سیاسی محسوب می‌شود.

در ولایات، ولسوالی ها، علاق‌داری ها دهات که قدرت دولت مرکزی وجود ندارد جنگ سالاران و رهبران قبایل، امنیتی ظاهری را برقرار می‌کنند. شماری از مقامات ولایت‌ها هم به همکاری با "طالبان" متهمند. خبرنگار روزنامه تایمز که يك کارت حافظه کامپیوتر اردوی آمریکا را در بازار شهر بگرام خریداری کرده بود، فاش کرد در یکی از فایل‌های آن نام سیزده مقام رسمی در شش ولایت وجود داشته که هنوز برسروظیفه خود هستند. در میان آنها والی، معاون ولایت، قوماندان امنیه ولایت و مشاوران امنیتی وجود داشتند. در میان موارد اتهامی آنان جنگجوگیری برای "طالبان"، استخدام اعضای "طالبان" در دولت، آدم ربایی، پوسته‌های تلاشی غیرقانونی، اقدام به ترور و قاچاق تریاک وجود داشت.

اکثریت این ناقضین درگذشته نه چندان دور نیز باعث اذیت و آزار مردم و بخصوص زنان و دختران و بی‌ثباتی کشور، منطقه و جهان شده بودند. موجودیت خلاء قدرت در بسا نقاط کشور زمینه بهره‌برداری را برای شورشیان "طالبان"، ملیشاهای قومی و جنگسالاران محلی فراهم آورد.

تعرض خشونت آمیز جنایی - دزدی مسلحانه، اخاذی و آدم ربایی توسط نیروهای نظامی، پولیس و شعبات استخبارات - تعرض بر مطبوعات و فعالان سیاسی، و نقض جدی حقوق انسانی زنان و دختران، تخلفات علیه اهالی فضای رعب و ترس در اکثر مناطق افغانستان بیداد میکند.

این گروه‌ها بشکل روزافزونی دست به خرابکاری و ترور افراد عام زده و با حمله بر "اهداف آسان" مانند مکاتب و معلمین و چهره‌ها مذهبی، وحشت را در میان مردم عوام ایجاد نمودند. گروه‌های فوق می‌خواستند با این اعمال ناتوانی دولت را در تامین امنیت و حمایت از ساکنین محل نشان دهند. تجارت پررونق مواد مخدر در این سال قسماً عامل و قسماً تمویل‌کننده نا امنی‌ها و خشونت‌ها در افغانستان بود که با رشد ۶۰ فیصد نسبت به سال ۲۰۰۵ رکوردی قائم کرد. این تجارت نصف درآمد کشور و ۹۲ فیصد هروئین جهان را تشکیل می‌دهد.

در این سال‌ها نا آرامی در جنوب و جنوب‌شرق و شمال کشور به جنگ تمام عیار مبدل شد، با آنکه نیروهای ناتو که وظیفه تامین امنیت در افغانستان را مطابق به فیصله‌های سازمان ملل متحد به عهده دارد ساحه فعالیت خود را به سراسر افغانستان گسترش داد. در نقاط دیگر کشور، افغانها روزمره مورد ظلم و ستم جنگ سالاران و ملیشاهای محلی که ظاهراً با دولت افغانستان هم‌نوا قرار داشت.

محترم کرزی! میدانید زنان شدیداً از موقعیت پایین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رنج می‌برند. زنان کشور مادر پایین‌ترین سطح معیارات جهانی قرار دارند: حد وسط عمر ۴۶ سال، مرگ مادران در موقع زایمان ۱۶۰۰ از هر صد هزار و باسواد ۱۲.۶% در میان زنانی از ۱۵ سال به بالا می‌باشد. زنان و دختران بخاطر کارکردن با مشکلات و در گشت و گذار با قیودات روبرو اند؛ طورمثال زنان بدون یک

مرد همراه و یا برقع نمی تواند مسافرت کنند. با آنکه بعد از سقوط "طالبان" شمار دختران شامل مکتب سریعاً افزایش یافت، تنها فقط ۳۵٪ دخترانی که سن و سال متناسب با مکتب دارند به آموزش مصروفند. خشونت های که متوجه مکاتب است، مدارس دخترانه را شدیداً آسیب رسانده است.

آنچه زنانی که در امورات اجتماعی و سیاسی فعال اند با خشونت و تهدید مواجهه اند که اکثراً این تهدیدات از طریق شبنامه ها پخش می شوند. صوفیه عمه جان، معلم برجسته، فعال حقوق زن و چندین زن خدمتگار درکندها و باقی ولایات دیگرکشته شد. ملالی جویا، یکی از اعضای پارلمان از ولایت فراه، بعد از انتقاد از اعضای پارلمان که در نقض حقوق بشر درگذشته و امروز دست دارند، مورد حمله فیزیکی در داخل پارلمان قرار گرفت. و سرانجام کرسی اش در پارلمان بحالت تعلیق درآمد، ولی ادارات حقوقی، قضایی و دولت خم به ابرونیاورد. خشونت علیه زنان یک پدیده عام است و کمتر مجرای قانونی برای رسیدگی به آن وجود دارد. بیش از نصف دختران کمتر از ۱۶ سال داشته اند که سن قانونی ازدواج بحساب می آید.

نزدیک به یک دهه است که امریکا و متحدین درکشور حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت درکشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط "طالبان"، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول با زگذاشته شد. حال نه تنها بر مردم ما بلکه بر اکثر مردم دنیا آشکار گشته است که با وصف حضور نیروهای آیساف و ادعاهای بلند بالای کرزی، هنوز هم افغانستان به عنوان یکی از مراکز فجایع حقوق بشر باقی مانده است و ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خودکشی و خودسوزی زنان، تهدید فامیلها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوههایی که چاره ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند. . .

هم اکنون دهها هزارمیل سلاح نزد گروه های مسلح وجود دارد که عامل ناامنی در کل کشور هستند. اگر سلاح جمع اوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری، وحدت خلیلی، حرکت های اسلامی و . . . کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر يك دهها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروه ها و بعضی از فرماندهان و مسولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاحوت های خود را حفظ کرده اند.

خدایا کفر نمی گویم

خدایا کفر نمی گویم،

پرشانم،

چه می خواهی تو از جانم؟!!

مرا بی آنکه خود خواهم اسیر زندگی کردی.

خداوندا!

اگر روزی ز عرش خود به زیر آبی

لباس فقر پوشی

غرورت را برای تکه نانی

به زیر پای نامردان بیاندازی

و شب آهسته و خسته

تهی دست و زبان بسته

به سوی خانه باز آبی

زمین و آسمان را کفر می گویی

نمی گویی؟!!

خداوندا!

اگر در روز گرما خیز تابستان

تنت بر سایه ی دیوار بگشایی

لبت بر کاسه ی مسی قیر اندود بگذاری

و قدری آن طرف تر

عمارت های مرمرین بینی

و اعصابت برای سکه ای این سو و آن سو در روان باشد

زمین و آسمان را کفر می گویی

نمی گویی؟!!

خداوندا!

اگر روزی بشر گردی

ز حال بندگانت با خبر گردی
پشیمان می شوی از قصه خلقت، از این بودن، از این بدعت.
خداوندا تو مسئولی.
خداوندا تو می دانی که انسان بودن و ماندن
در این دنیا چه دشوار است،
چه رنجی می کشد آنکس که انسان است و از احساس سرشار است... (کارو).

www.esalat.org